

بررسی نگرش اعضای هیأت علمی در خصوص کارکردهای دانشگاه

(مطالعه موردی: دانشگاه شهید چمران اهواز)^۱

سمانه سلیمی^۲

عبداله پارسا^۳

یداله مهرعلی زاده^۴

چکیده

هدف پژوهش کاربردی حاضر، بررسی نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در زمینه کارکردهای دانشگاه است. طرح کلی این پژوهش از نوع آمیخته اکتشافی متوالی ناهمزمان (کیفی- کمی- کیفی) است. در بخش کیفی، از روش پدیدارشناسی؛ در بخش کمی، از آمارهای توصیفی میانگین و در بخش کیفی آخر، از روش گروه های کانونی استفاده شده است. جامعه آماری، شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (۶۰۰ نفر)، که مرحله مصاحبه اکتشافی اولیه، با انتخاب هدفمند ۵۴ عضو؛ بخش کمی با انتخاب تصادفی ۲۲۵ عضو؛ و بخش کیفی آخر (گروه کانونی) با انتخاب هدفمند مطلوب ۸ نفر از خبرگان دانشگاه انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات به ترتیب در سه مرحله کیفی- کمی- کیفی، به شیوه مصاحبه نیمه ساختمند، پرسشنامه محقق ساخته مستخرج از مصاحبه ها و مرحله آخر مصاحبه گروه کانونی است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، تأیید شد و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ($\alpha=0/78$) بدست آمده که نشانه پایایی مطلوب است. برای تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی از روش کد گذاری اشروس و کوربین (۱۹۹۰)، و در بخش کمی نیز از آماره های توصیفی متناسب با سؤالات پژوهش، استفاده شده است. نتایج بدست آمده بر اساس مصاحبه ها در بخش کیفی پژوهش، حاکی از آن بود که مقوله کارکردهای دانشگاه، دارای ۵ حوزه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، کارآفرینی، تجاری سازی و کارکرد

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی آزاد در دانشگاه شهید چمران اهواز است.

^۲ * نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز، استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران salimisamane89@yahoo.com

^۳ دانشیار، رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، abdparisa@scu.ac.ir

^۴ استاد، رشته مدیریت منابع انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، Y_Mehralizadeh@scu.ac.ir

اجتماعی است. نتایج بدست آمده از بخش کمی حاکی از آن بود که در دانشگاه شهید چمران اهواز، کارکرد آموزشی مهم ترین کارکرد تلقی می شود و کمترین میانگین، نشان دهنده این مهم است که به کارکرد کارآفرینی در دانشگاه کمتر توجه شده است. مشارکت کنندگان بخش کانونی هم یافته های دو مرحله قبل را تأیید کردند. بنابراین توصیه می شود دانشگاه زمینه را برای پرداختن به کارکردهای جدید از جمله کارآفرینی و تجاری سازی فراهم کند.

واژگان کلیدی: کارکرد دانشگاه، کارکرد آموزشی، کارکرد پژوهشی، کارکرد کارآفرینی، تجاری سازی دانش

مقدمه

مطالعه فرایند تحولات جهان پیشرفته و توسعه یافته حکایت از این واقعیت دارد که آموزش عالی همواره عامل بنیادی تحول، تکامل و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بوده است (وایت^۱، ۲۰۱۳). نظام آموزش عالی چنانچه از توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه و دانشجو در زمینه آموزش و تربیت نیروی انسانی، مشاوره، پژوهش و انجام خدمات، امکان رشد و تعالی و انطباق با تحولات شگرف علمی - تکنولوژیکی و محیطی برخوردار باشند، در آن صورت به عنوان یک نظام پویا، و کارآمد و اثر بخش قادر به رقابت در عرصه پرتحول خواهد بود. همچنین ضمن حل مشکلات و مسائل گذشته خود، توانایی برخورد با مسائل جدید را داشته و با اعمال سیاست ها و راهکارهای نو همچنان کارآمد و به روز خواهند ماند. موفقیت آینده دانشگاه ها وابسته به توان پاسخگویی آنها در مقابل تغییر و تحولات است. لذا به منظور شناخت و تأمین نیازهای آینده لازم است تا رهبران و سیاستگذاران دانشگاه ها تغییرات عمیق و وسیعی در رسالت ها و اهداف خود ایجاد نمایند و دانشگاه را با شیوه نو و متفاوت از گذشته اداره کنند تا امکان بقا و رشد دانشگاه ها مقدور گردد. لذا ایجاد تغییر و تحول اساسی و زیر بنایی در کلیه ابعاد و ارکان بزرگترین سیستم های آموزشی (دانشگاه) است امری حیاتی و از مباحث حاد دنیای امروز می باشد. پیمایش اخیر اکونومیست (۲۰۰۵) این تغییرات را ناشی از چهار عامل عمده عنوان کرده است: ۱. دموکراتیزه شدن^۲ یا توده ای شدن^۳ (فراگیر شدن) آموزش عالی که جایگاه سنتی دانشگاه ها را به منزله ی مؤسسات آموزش عالی برای نخبگان تهدید کرده است؛ ۲.

¹ White

² Democratization

³ Massification

ظهور اقتصاد دانانی که روش های سنتی یادگیری و دوره های ارائه شده در دانشگاهها را تغییر داده اند؛ ۳. جهانی شدن آموزش عالی که این بخش را به صنعت صادرات تبدیل کرده است؛ ۴. رقابت مؤسسات آموزش عالی برای دانشجویان و کسب منابع مالی و گزینت های پژوهشی (محمد بهای^۱، ۲۰۰۸). تغییرات صورت گرفته در آموزش عالی چه خوب باشد و چه بد اما با توجه به اینکه امروزه رویکرد بین المللی و جهانی شدن آموزش عالی به صورت یک رویکرد غالب درآمده است و نسل جدیدی از دانشگاهها ظهور کرده است که انتظاراتی جدید از آن در توسعه پایدار به ویژه در ابعاد انسانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی می رود. (هالبس^۲، ۲۰۱۴). به طور خاص آن چه از آن به عنوان ویژگی «بازاری شدن دانش» یا «تجاری شدن دانش» یاد می شود، می رود تا به معیاری برای سنجش همه ی قوای آدمی، اعم از عقل نظری، عقل عملی، خلاقیت و دستاوردهای آنها تبدیل شود. این پدیده ی تجاری شدن دانش از آن جهت شگفت آور است که در حال تبدیل شدن به بازی یگانه ای است که همه ی دانشگاهها را در سراسر دنیا به پیروی از قواعد خود وا می دارد. همگان یا در این بازی شرکت می کنند و یا در کناره ی انزوا باقی می مانند. (باقری و دلپسند، ۱۳۸۷). مأموریت یا رسالت دانشگاه در گذشته شامل پژوهش و آموزش بود که امروزه با توجه به تحولات روی داده در محیط جهانی و تغییر در روابط بین سه کنشگر اصلی در سیستم های ملی (صنعت، دولت و دانشگاه) رسالت سومی نیز بر عهده دانشگاهها نهاده شده و آن همان کارآفرینی دانشگاهی و مشارکت در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع است (اتزوکانی^۳، ۲۰۱۰). طالبات گوناگون نشان می دهد امروزه چندین کارکرد برای دانشگاه معرفی شده است که عبارت است از، کارکرد اول (آموزش)، واژه آموزش علی رغم معانی محدود آن به روشی دیالکتیکی، به تعامل دانشجو و استاد در مورد یک موضوع درسی می-پردازد (دیویس، کلاریدج و سرلوه^۴، ۱۹۹۷). هدف آن امکان یادگیری، قدرت فهم و درک دانشجو است. نیومن^۵ در سال ۱۸۵۲ آموزش را بعنوان نقش اصلی دانشگاه برشمرد و این فرضیه را شکل داد که یک دانشگاه می بایست مکان تحصیل، آموزش علوم مختلف، پیشرفت و ارتقاء به منظور ساختن کلیت یک انسان به تمام معنا باشد. (اسکوئیتیر^۶، ۲۰۱۰: ۱۴، به نقل از کرمخانی، ۱۳۹۶). نیومن در این توجیه (۱۸۵۲) بر این نکته تأکید داشت که اگر هدف دانشگاه، علمی نباشد و در آن اکتشافات فلسفی

¹ Mohamedbhai

² Hlabse

³ Etzokani

⁴ Davis, Claridge & Cerullo

⁵ Neumann

⁶ Etzkowitz

وجود نداشته باشد؛ دلیلی بر آن نمی‌بینیم که دانشگاهی تأسیس شود. با توجه به نظر گیلیسون^۱ (۲۰۱۰) مهم‌ترین دلیلی که مهم بودن این کارکرد را تأکید می‌کند، جریان ثابت دانشجویان فارغ‌التحصیل است که در رشته‌های موجود و تحقیقاتی به کسب مدرک نائل آمدند و وارد بازار کار شده و به اشتغال رسیده‌اند. کارکرد دوم (پژوهش)، در قرن ۱۹ مدل جدیدی از دانشگاه به عنوان دانشگاه پژوهشی به وجود آمد که در کنار کار اصلی خود که آموزش بود، کار پژوهشی نیز انجام می‌داد. نام این دانشگاه برلین بود. دانشگاهی که تأثیرگذارترین الگوی دانشگاهی در سرتاسر جهان از اوایل قرن نوزدهم تا به حال نام گرفته است. این دانشگاه که در سال ۱۸۰۹-۱۸۱۰ توسط ویلهلم فون هومبولت تأسیس شد، در صدد ایجاد الگویی از دانشگاه بود که نه در خدمت دین باشد و نه سرسپرده دولت. در این دانشگاه وحدت تحقیق و تدریس وجود داشت. به گفته کارل یاسپرس در دانشگاه آلمانی هومبولت، تحقیق و تدریس "پهلوی به پهلوی" هم نیستند بلکه "دست در دست" یکدیگر هستند (مصباحیان، ۱۳۸۸). بن دیوید^۲ در سال ۱۹۹۲ این گونه اذعان داشت: مشخصه بارز و متمایز دانشگاه آلمانی قرن نوزدهم، این تفکر بود که تحقیق می‌بایست بخش مهمی از آموزش عالی باشد. این تفکر از آنجا، به سایر کشورها منتشر شد و در اواخر قرن نوزدهم تقریباً در همه جا پذیرفته شد. در واقع، این امر بسیار معمول و متداول شده بود که دانشگاه‌ها نهاد‌هایی آموزشی و تحقیقاتی هستند (مارتین و اتزکویز^۳، ۲۰۰۰). به نقل از کرمخانی، (۱۳۹۶)، نهادهایی که نه تنها فارغ‌التحصیل به بیرون می‌دهند؛ بلکه دارای انتشارات و اقداماتی در بین سایر گروه‌ها نیز هستند. پژوهش در حال حاضر، مشخصه متداول، معمول و عملکرد بسیاری از دانشگاه‌های معروف در همه کشورهاست. خصوصاً به عنوان معیاری مهم و فردی در ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاهیان و سازمان‌های آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد (آلتباخ^۴، ۲۰۰۸). کارکرد سوم (ارائه خدمت به جامعه)، امروزه دانشگاه‌ها می‌بایست برای پاسخگویی به نیازهای مختلف ذی‌نفعانشان چه داخلی و چه خارجی در همه جا حضور داشته باشند. کلارک (۱۹۹۸) مشاهده کرد که دانشگاه‌های سراسر جهان برای پاسخگویی به جریان تقاضای بیشمار و مختلف مردم و انتظارات آنها، تحت فشار هستند. وی معتقد است که دانشگاه‌ها تحت فشار زیادی برای تغییر چارچوب و برنامه‌های خود هستند. دانشگاه‌ها از زمان تغییرات هومبولت در آلمان و افزایش دانشگاه‌های اعطایی در آمریکا (آلتباخ، ۲۰۰۸) تاریخچه‌ای طولانی در همکاری با دولت، صنعت و جامعه دارند. چنین

¹ Gilleson

² Ben David

³ Martin & Atzkowyz

⁴ Altbakh

تعاملاتی و مشارکت دانشگاه‌ها در پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی، محیطی و تصمیم‌گیری در جامعه، مأموریت سوم دانشگاه‌ها را شکل داد. کارکرد چهارم (کارآفرینی)، نقش خدمات برون‌سازمانی دانشگاه از این بر می‌خیزد که دانشگاه‌ها به عنوان یک منبع مرتبط و شایسته در دانش در جریان مواجهه با مسایل اجتماعی هستند (بانن^۱، ۱۹۹۸). دانشگاه‌های پویا در قرن بیست و یکم دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را بپرورانند و تلفیق نمایند. از دیگر آرایه‌های چنین دانشگاه‌هایی می‌توان به سیر راهبردی و هدفمند، ایجاد توازن بین پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی، تنوع بخشی به منابع تأمین مالی جهت بودجه بندی با ثبات و پایداری مالی و نهادی اشاره نمود (کلارک، ۱۹۹۸ به نقل از آراسته، ۱۳۸۲). از بین آرایه‌های مزبور، توازن کارکردی دانشگاه در فرایند نقش آفرینی در توسعه کار آفرینی جای بحث دارد. نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کارآفرینی می‌تواند گونه‌های کارکردی مختلفی را به خود گیرد. به نحوی که می‌توان چنین نقش آفرینی را بر روی یک پیوستار، از فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاه (از محل آرایه خدمات جهت توسعه کارآفرینی) تا دانشگاه کارآفرین (تلفیق کارآفرینی در کارکردهای آموزش یا تدریس بر مبنای راهبردهای تدریس - یادگیری، پژوهش و خدمات دانشگاهی) و نیز دانشگاه بسان کارآفرین یا کارآفرینی دانشگاه ترسیم نمود (اتزکوویتز^۲، ۲۰۰۴). کارآفرینی یک رفتار پویا است که پدیدار گشتن آن نیازمند هموار بودن زمینه و بستر است. همچنین به ثمر نشستن آن متأثر از سازه‌های بر سازنده است. هر چه باشد توسعه کارآفرینی در خلأ صورت نمی‌گیرد؛ بلکه نیازمند ساختارسازی و پیگیری برنامه‌ریزی شده کارکردهای حمایتی و فراهم بودن زمینه‌های مساعد است. دانشگاه کارآفرین از اتصال توسعه نهادهای آموزش عالی و تأثیرات خارجی بر روی ساختارهای دانشگاهی که مرتبط با نوآوری‌هایی که بر پایه دانش هستند، نشأت می‌گیرد. دانشگاه کارآفرین از الگوهای دانشگاهی هامبولت و نیومن در قرن نوزدهم استفاده می‌کند و بر روی پژوهش و کاربرد آن تأکید می‌ورزد (براندر و جانسون^۳، ۲۰۰۶). این دانشگاه مرحله‌ای تکاملی از سیستم دانشگاهی است که علاوه بر وظایف سنتی مانند آموزش و پژوهش بر توسعه اقتصادی مؤثر است. خط مشی‌ها، اقدام‌ها و نوآوری‌های سازمانی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که علم را با فعالیت اقتصادی تبدیل می‌کنند و در عین حال به حل مشکلاتی می‌پردازند که در سراسر جامعه پراکنده شده‌اند. هدف این نوع دانشگاه، توانمند شدن برای ایفای نقشی فعالانه در توسعه

¹ Bonnen

² Etzkowitz

³ Berander & Jönsson

اجتماعی و اقتصادی است که می‌بایست به دولت و اولویت‌های صنعتی نیز پاسخگو باشد. این نوع دانشگاه‌ها به دنبال کاربردهای عملی و نظری پژوهش هستند (اترکویتز، ۲۰۱۶). یورگن هابرماس (۱۳۷۳: ۹۳) جامعه‌شناس معاصر نیز مسئولیت‌ها یا رسالت‌های خطیر ذیل را بر عهده دانشگاه‌های امروزی می‌داند: ۱. تضمین اینکه فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها از حداقل ویژگی‌های لازم در حوزه توانایی‌های فوق کارکردی یا خارج از حد وظیفه برخوردار باشند (منظور از فوق کارکردی و خارج از حد وظیفه تمامی مسئولیت‌ها و رفتارهای مربوط به پی‌گیری یک حرفه تخصصی است که به تنهایی در دانش و مهارت‌های حرفه‌ای - تخصصی یافت نمی‌شوند). ۲. انتقال، تبیین و اشاعه سنت فرهنگی جامعه. ۳. شکل دادن خود آگاهی سیاسی دانشجویان. بررسی نقش دانشگاه‌ها طی سده‌های گذشته، نشان دهنده‌ی این است که نقش‌های آموزشی و پژوهشی بیشتر از سایر نقش‌ها مورد تأکید و وفاق محققان بوده است؛ هر چند در خصوص چگونگی، ترکیب و نوع ایفای این نقش‌ها دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. به طور کلی نقش آموزش و تربیت نیروی انسانی دانشگاه‌ها در تمامی دیدگاه‌ها پذیرفته شده و مورد تحلیل قرار گرفته، اما در خصوص کارکرد پژوهشی و تولید دانش دانشگاه و نوع پژوهش‌های دانشگاهی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است (اکسیو^۱، ۲۰۰۶؛ مووری و سمپات^۲، ۲۰۰۵؛ OECD، ۱۹۹۶). آنچه مشخص است نظرات و دیدگاه‌های گوناگونی درباره کارکردهای دانشگاه وجود دارد، لذا محقق در این پژوهش بر آن شد تا بررسی کند نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز را در خصوص کارکردهای دانشگاه چگونه است؟

روش پژوهش

توالی پژوهش به صورت کیفی - کمی - کیفی و ناهمزمان متوالی است. روش پژوهش در بخش کیفی اولیه، پدیدارشناسی (تجربی؛ متعالی) هوسرل بوده است. مطالعات پدیدارشناختی، اغلب با ادراکات، مفاهیم، نگرش‌ها و عقاید افراد سروکار دارند (کرسول، ۲۰۱۶: ۷۹)؛ پدیدارشناسی بیشتر بر توصیف تجربه‌های شرکت‌کنندگان تأکید می‌کند. رویه‌هایی برای این رویکرد در نظر می‌گیرند که شامل شناسایی و درک پدیده مورد نظر و جمع‌آوری داده از افراد مختلفی است که از پدیده آگاهی دارند (موس تاکاس، ۲۰۰۰، به نقل از باب الحوایجی، تاج‌الدینی؛ نوشین فرد و حریری، ۱۳۹۲: ۵۴). چون در پژوهش حاضر محقق قصد داشته با جمع‌آوری ادراکات، نگرش‌ها و توصیف تجربه‌های اعضای

¹ Xue

² Mowey & sampat

هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز درباره کارکردهای دانشگاه، از نوع پدیدارشناسی پدیدار شناسی این پژوهش از نوع تجربی متعالی هوسرل بوده است.

روش پژوهش در بخش کمی، توصیفی از نوع پیمایشی (آماره های توصیفی مانند میانگین) است. مصاحبه های ابتدایی با ۵۴ عضو هیأت علمی صورت گرفته و برای اینکه مؤلفه های بدست آمده از مصاحبه ها در جامعه آماری وسیعتری مورد سنجش قرار گیرد، پرسشنامه تهیه شده از مصاحبه ها توسط نمونه ای ۲۲۵ نفری از جامعه آماری تکمیل شده و از داده های بدست آمده از پرسشنامه ها، اقدام به تحلیل آماره های توصیفی مانند میانگین شده است تا بررسی شود میانگین کدام یک از مؤلفه ها بیشتر مورد نظر و تأکید اعضای هیأت علمی بوده است.

روش پژوهش در بخش کیفی آخر، گروه کانونی و نوعی مصاحبه است که به منظور عمیق تر شدن تعاملات بین اعضای گروه و بحث های مفصل تر طراحی شده است؛ به گونه ای که این تعاملات موجب تبادل بیشتر ایده ها نسبت به روش مصاحبه مستقیم می شود. گروه های کانونی با یک جلسه حل مشکل یا تصمیم گیری متفاوت بوده و حدود ۸ تا ۱۰ نفر در آن شرکت دارند. بنابراین در مرحله آخر اجرای این پژوهش، گروهی از اعضای شورای برنامه ریزی راهبردی دانشگاه و چند تن از اعضای هیأت رییسه دانشگاه به منظور جمع آوری اطلاعات پشتیبانی و تفسیر نتایج دو مرحله قبلی تحت عنوان گروه کانونی، تشکیل و نتایج آن جلسه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری در بخش مصاحبه ها (کیفی اول) پاسخگویان از میان ۶۰۰ عضو هیأت علمی وابسته به ۵۳ گروه آموزشی (۵۴ عضو هیأت علمی) به روش هدفمند مطلوب گزینش شدند (۳۲ نفر استاد، ۱۳ نفر دانشیار و ۹ نفر استادیار). در بخش پرسشنامه با روش کوکران تعداد ۲۰۵ نمونه از اعضای هیأت علمی همان دانشگاه (استاد ۲۶، دانشیار ۴۴، استادیار ۱۲۲ و مربی ۱۳) نفر به صورت تصادفی و در بخش کانونی (کیفی آخر) از اعضای شورای برنامه ریزی راهبردی و چند تن از استادان عضو هیأت رئیسه دانشگاه، که جزو مدیران فعلی و یا سابق دانشگاه بوده اند به تعداد ۸ نفر (۵ استاد، ۳ دانشیار) دعوت شد.

ابزار گرد آوری داده ها

در دو مرحله کیفی (اول و آخر) مصاحبه نیمه ساختمند و در مرحله کمی از طریق پرسشنامه محقق ساخته مستخرج از مصاحبه ها، داده ها جمع آوری شدند. در بخش مصاحبه ها بعد از ضبط هر مصاحبه و با تفکیک متن مصاحبه ها به عناصر دارای پیام، تلاش شد کدهای باز استخراج شوند. در مرحله کد گذاری اولیه، مفاهیم اولیه برگرفته از داده ها ظهور یافت و در مرحله بعد، در کد گذاری

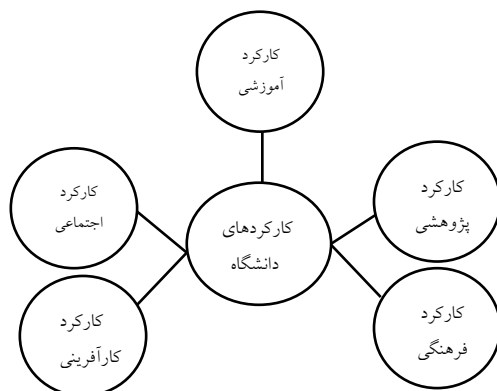
ثانویه، مفاهیم مشترک در مقوله های بزرگتری قرار گرفتند. سپس سعی شد مقوله ها نیز در قالب دسته های بزرگ مفهومی طبقه بندی شوند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری است، مقوله ها در قالب خوشه های بزرگ دسته بندی شده و سپس به مقایسه مقوله های به دست آمده پرداخته شد در بخش کمی با استفاده از برنامه آماری SPSS نتایج توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد) کارکردهای دانشگاه استخراج گردید.

یافته های پژوهش

بخش کیفی

از تحلیل مصاحبه ها ۴۴ گزاره مفهومی اولیه در مرحله کد گذاری باز و ۵ مقوله اصلی در مرحله کدگذاری محوری بدست آمده است که عبارتند از: کارکردهای اجتماعی، آموزشی، پژوهشی، تجاری و کارآفرینی، و نیز کارکرد فرهنگی و تربیتی. در گذشته تنها کارکرد دانشگاه، کارکرد آموزشی بود؛ اما امروزه با رشد جوامع و فناوری های نوین و به دنبال آن تغییر انتظارات و خواسته ها، کارکردهای جدیدی از دانشگاه انتظار می رود. بنابراین یکی از مؤلفه هایی که جهت ساختن نقشه مفهومی بسیار کار ساز است، توجه به این نکته است که اعضای هیأت علمی دانشگاه چه دیدگاهی نسبت به کارکردهای دانشگاه دارند؟ از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه مور مطالعه یکی از این کارکردها، کارکرد اجتماعی است. "دانشگاه سرمایه اجتماعی محسوب می شود..." (دانشیار دانشکده اقتصاد)، "...نقش مهم دانشگاه کمک به رفاه و پیشرفت جامعه است..." (استاد گروه مدیریت)، "...دانشگاه مرکزی برای راهنمایی و کمک به عامه مردم به حساب می آید..." (استاد دانشگاه مهندسی). کارکرد دوم کارکرد آموزشی است. اعضای هیأت علمی چنین اعتقاد داشتند: "...دانشگاه محلی برای یاد دادن چگونگی یادگیری..." (دانشیار دانشکده اقتصاد)، "...دانشگاه محلی برای علم اندوزی..." (استادیار دانشکده علوم آب). کارکرد مهم دیگر کارکرد پژوهشی است. "...دانشگاه در کنار کارکرد آموزشی باید به پژوهش های بنیادی هم بپردازد..." (استاد دانشکده مهندسی)، "...آنچه که باعث اعتبار و شناخته شدن دانشگاه در عرصه های ملی و بین المللی می شود پژوهش است..." (استاد دانشکده علوم آب)، "...امروزه کارکرد پژوهشی دانشگاه باید مقدم بر کارکرد آموزشی آن باشد..." (استاد گروه مواد دانشکده مهندسی). کارکرد چهارم از نظر اعضای هیأت علمی کارکرد کارآفرینی و تجاری سازی است. "...دانشگاه باید در شکستن مرز های دانش پیشرو باشد..." (استاد دانشکده علوم)، "...دانشگاه باید محلی برای تلفیق علم و عمل باشد..." (استاد گروه تاریخ)، "...دانشگاه باید به سمت تجاری سازی و کارآفرینی پیش برود و بسترهای

رسیدن به دانشگاه نسل سوم را در خود بوجود آورد... " (استاد دانشکده مهندسی). و آخرین کارکرد، کارکرد فرهنگی و تربیتی است.



شکل ۱. مدل حاصل از یافته های بخش کیفی

بخش کمی

جهت اینکه محقق بتواند نظر تعداد بیشتری از اعضای هیأت علمی را در زمینه کارکردهای دانشگاه داشته باشد، پس از کد گذاری داده های حاصل از مصاحبه کیفی مرحله اول پرسشنامه ای مستخرج از مصاحبه ها تدوین شد. که در این مرحله میزان موافقت سایر اعضای هیأت علمی با دیدگاه ها و نظرات مشارکت کنندگان مرحله کیفی سنجیده شد. در جدول ۱ نتایج آورده شده است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی کارکرد های دانشگاه

کارکردها	بسیار زیاد تا زیاد	تا حدودی	اصلاً تا به ندرت	میانگین	انحراف استاندارد
گوینه ۱: نقش و مشارکت تأثیرگذاری در حل مسائل منطقه ای و بین المللی دارد.	درصد ۱۲/۲٪	۲۹/۳٪	۵۸/۶٪	۲/۴۵۳	۰/۹۷۷
	فراوانی ۲۵	۶۰	۱۲۰		
گوینه ۲: در ارائه راه حل برای مسائل بومی و استانی محیط پیرامونی خود، نقش فعالی ایفا می نماید.	درصد ۲۳/۴٪	۳۴/۱٪	۴۲/۴٪	۲/۸۰۹	۱/۰۴۶
	فراوانی ۴۸	۷۰	۸۷		
گوینه ۳: در سیاست ها و رفتارهای سازمانی	درصد ۳۷/۶٪	۳۹/۵٪	۲۲/۹٪	۳/۱۸۵	۰/۹۶۲

کارکرد اجتماعی

۰۹

						خود و اعضایش بر وجه اخلاقی بودن تأکید می نماید.	
		٪				فراوانی	
		۴۷	۸۱	۷۷			
۰/۹۳۸	۳/۰۲۹	۲۳/۴	٪ ۵۰/۲	٪ ۲۶/۳	درصد	گویه ۴: در تربیت اخلاقی و رشد خصایص پسندیده انسانی دانش آموختگان خود، عملکرد موفق داشته است.	
		٪				فراوانی	
		۴۸	۱۰۳	۵۴			
۰/۹۵۲	۳/۵۳۱	۱۱/۷	٪ ۳۲/۷	٪ ۵۵/۶	درصد	گویه ۵: رسالت اصلی خود را آموزش علم به متقاضیان می داند.	
		٪				فراوانی	
		۲۴	۶۷	۱۱۴			
۱/۰۲۱	۳/۳۲۲	۶۲/۵	٪ ۲۴/۹	٪ ۱۲/۷	درصد	گویه ۶: به عنوان محلی برای تبادلات علمی مطرح جهان شناخته شده است.	
		٪				فراوانی	
		۱۲۸	۵۱	۲۶			
۰/۹۶۸	۲/۸۸۲	۳۵/۷	٪ ۴۰/۵	٪ ۲۳/۹	درصد	گویه ۷: کوشیده است چگونه یاد گرفتن و روش اندیشیدن را به دانشجویان یاد دهد.	
		٪				فراوانی	
		۷۳	۸۳	۴۹			
۰/۸۶۶	۳/۱۵۶	٪ ۲۰	٪ ۴۷/۸	٪ ۳۲/۲	درصد	گویه ۸: استانداردهای کمی و کیفی آموزش را در حد مطلوبی مورد توجه قرار دهد.	
		٪				فراوانی	
		۴۱	۹۸	۶۶			
۱/۰۲۹	۳/۰۵۳	۳۲/۲	٪ ۳۶/۶	٪ ۳۱/۲	درصد	گویه ۹: از دانشگاه به عنوان محلی برای بالا بردن شانس اشتغال خود، در آینده توجه می شود.	
		٪				فراوانی	
		۶۶	۷۵	۶۴			
۱/۰۰۵	۲/۵۷۵	۴۹/۸	٪ ۳۴/۱	٪ ۱۶/۱	درصد	گویه ۱۰: آموزش چگونگی حل مسائل زندگی به جوانان را در اولویت فعالیت های آموزشی خود قرار می دهد.	
		٪				فراوانی	
		۱۰۲	۷۰	۳۵			
۰/۹۲۶	۲/۸۸۲	۳۳/۲	٪ ۴۳/۹	٪ ۲۲/۹	درصد	گویه ۱۱: در برنامه های خود از توسعه فناوری های نوین در دانشگاه حمایت کاملی به عمل می آورد.	
		٪				فراوانی	
		۶۸	۹۰	۴۷			
۰/۸۶۰	۲/۴۵۸	۵۸/۱	٪ ۳۲/۲	٪ ۹/۷	درصد	گویه ۱۲: دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان محلی برای تربیت کارآفرین و رشد	
		٪					

کارکرد آموزشی

تجاری سازی دانش
کارکرد کارآفرینی و

		۱۱۹	۶۶	۲۰	فراوانی	مهارت های کارآفرینی شناخته شده است.
۰/۸۵۹	۲/۲۹۷	۶۴/۹	% ۲۶/۸	% ۸/۳	درصد	گویه ۱۳: دانشگاه شهید چمران اهواز توانسته است در شکستن مرزهای دانش و خلق علوم جدید موفق عمل کند.
		۱۳۳	۵۵	۱۷	فراوانی	
۱/۰۱۴	۲/۷۱۲	۴۳/۴	% ۳۶/۱	% ۲۰/۵	درصد	گویه ۱۴: دانشگاه شهید چمران اهواز قادر است علوم کاربردی مورد نیاز برای حل مشکلات جامعه پیرامون خود را تولید کند.
		۸۹	۷۴	۴۲	فراوانی	
۰/۸۲۰	۲/۴۹۲	۴۹/۷	% ۴۲/۴	% ۷/۸	درصد	گویه ۱۵: دانشگاه شهید چمران اهواز در تلفیق علم و عمل موفق بوده است.
		۱۰۲	۸۷	۱۶	فراوانی	
۰/۸۴۸	۲/۸۵۸	۳۴/۱	% ۴۶/۸	% ۱۹	درصد	گویه ۱۶: پژوهش های بنیادین قابل قبولی در این دانشگاه انجام شده است.
		۷۰	۹۶	۳۹	فراوانی	
۰/۹۸۴	۳/۰۸۲	۲۶/۹	% ۳۹/۵	% ۳۳/۶	درصد	گویه ۱۷: پژوهش های کاربردی بیشتر از همه مورد تأکید دانشگاه است.
		۵۵	۸۱	۶۹	فراوانی	
۰/۷۹۶	۳/۰۴۸	۲۲/۴	% ۴۹/۸	% ۲۷/۹	درصد	گویه ۱۸: در تولید و انتشار مقالات علمی معتبر سهم قابل قبولی دارد.
		۴۶	۱۰۲	۵۹	فراوانی	
۰/۸۲۳	۲/۴۳۹	۵۶/۵	% ۳۳/۲	% ۱۰/۳	درصد	گویه ۱۹: پژوهش های دانشگاه شهید چمران اهواز، نقش تأثیرگذاری در روند تحولات علمی داشته است.
		۱۱۶	۶۸	۲۲	فراوانی	
۰/۸۷۷	۲/۵۲۶	۴۸/۸	% ۴۰/۵	% ۱۰/۸	درصد	گویه ۲۰: پژوهش های دانشگاه شهید چمران اهواز در سطح منطقه ای و بین المللی از اعتبار بالایی برخوردارند.
		۱۰۰	۸۳	۲۲	فراوانی	
۰/۶۱۰	۲/۷۹۸	۱۰۰			درصد	جمع مؤلفه
		۲۰۵			فراوانی	

کارکرد پژوهشی

نتایج جدول ۱. حاکی از آن است که ۶۴/۹ درصد اعضای هیأت علمی اعتقاد دارند دانشگاه نتوانسته در شکستن مرزهای دانش و خلق علوم جدید موفق عمل کند و چنین اقداماتی بسیار نادر بوده است. ۶۲/۵ درصد دانشگاه را به عنوان محلی شناخته شده برای تبادلات علمی مطرح جهان قبول ندارند. ۵۸/۶ درصد معتقدند دانشگاه نقش و مشارکت تأثیرگذاری در حل مسائل منطقه ای و بین المللی ندارد و ۵۸/۱ درصد نیز دانشگاه را به عنوان محلی برای تربیت کارآفرین و رشد مهارت های کارآفرینی نمی شناسند. بیشترین مقدار میانگین (۳/۵۳۱) مربوط به گویه " دانشگاه رسالت اصلی خود را آموزش علم به متقاضیان می داند" و کمترین مقدار میانگین (۲/۲۹۷) مربوط به گویه " دانشگاه شهید چمران اهواز نتوانسته است در شکستن مرزهای دانش و خلق علوم جدید موفق عمل کند." است.

بخش کیفی (کانونی)

در این مرحله به منظور اعتبار سنجی داده های مرحله کیفی و کمی، گروه کانونی متشکل از ۸ نفر از خبرگان دانشگاه شهید چمران اهواز تشکیل گردید. نتایج حاصل شده از دو مرحله قبل برای مشارکت کنندگان گروه کانونی بیان شد. مشارکت کنندگان این مرحله با نتایج حاصل از دو مرحله قبل موافق بودند و آنها هم اعتقاد داشتند رسالت اصلی دانشگاه شهید چمران اهواز آموزش و تربیت نیروی انسانی بوده است و دانشگاه نتوانسته مرزهای دانش را بشکند و وارد مباحث تجاری سازی دانش و کارآفرینی شود.

"... متوجه شدم یک سری مأموریت‌های جدید برای دانشگاه در ستاد انقلاب فرهنگی تعریف شده است. دانشگاه‌ها هم دنبال این هستند که این مأموریت‌ها را اجرا کنند. دانشگاه از اولی که ایجاد شده برای توسعه علم و دانش بوده که باید آن را حفظ کند. اگر می‌خواهد کار جدیدی انجام دهد باید سازمان و تشکیلات جدید برای آن بوجود آورد. باید سازوکار جدید ایجاد کند نه اینکه یک بار جدید روی دوش بارهای قبلی دانشگاه بگذاریم. دانشگاه می‌تواند تشکیلاتی درست کند که برایش تجاری سازی کند، بین المللی سازی کند، شما از من که معلم هستم و همه هم وغم من این است که آنچه را بلدم منتقل کنم می‌خواهید درآمدزایی کنم. درآمد زایی که رسالتش فرق دارد وقتی پولی بدست می‌آوریم محکم نگه می‌داریم که از دست ندهیم..." (مشارکت کننده دوم، رییس اسبق دانشگاه)

"...یک ویژگی که سازمان‌های سالم باید داشته باشد خود اصلاح‌گری است که بخصوص درباره دانشگاه صادق است. دانشگاه‌ها باید بیایند خودشان را اصلاح کنند. یکی از موارد مهم مأموریت‌شان

است. درست است که از زمان تأسیس یک مأموریت به آن داده‌اند اما با گذر زمان خود دانشگاه می‌تواند اولویت بندی‌هایش فرق کند... " (مشارکت کننده اول، معاون اداری مالی اسبق دانشگاه)

"...تفاوت معنا داری بین آدم دانشمند با غیر دانشمند وجود دارد. هیچ کس به اندازه اعضای هیأت علمی نمی‌تواند مأموریت دانشگاه را اصلاح کند. امام (ره) فرمودند که مأموریت دانشگاه انسان سازی است همان جا گفتند تخصص، آموزش. متخصص بودن بدون مسائل اخلاقی به درد ما نمی‌خورد..... وقتی بحث نگاه کالایی و فروش دانش باشد می‌بینیم که هر سازمانی یک مرکزی تأسیس می‌کند و فارغ التحصیل می‌دهد... " (مشارکت کننده سوم، معاون آموزشی اسبق دانشگاه).

بحث و جمع بندی

این پژوهش با هدف بررسی نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در باره کارکردهای دانشگاه انجام شد. نتایج بدست آمده بر اساس مصاحبه‌ها در بخش کیفی پژوهش (شکل ۱)، حاکی از آن است که مقوله اصلی کارکردهای دانشگاه، دارای ۵ حوزه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، کارآفرینی و تجاری سازی و کارکرد اجتماعی است. مشارکت کنندگان پژوهش، درباره مقوله کارکرد دانشگاه دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. گروهی بر این باور بود که اولین و مهم ترین کارکرد دانشگاه، فقط کارکرد آموزشی است و سراغ کارکردهای جدید رفتن کار اشتباه و بی فایده ای است. دیدگاه دوم، دو کارکرد آموزشی و پژوهشی را مهم ترین کارکردهای دانشگاه می‌دانستند که باید همه توجه دانشگاه معطوف به آنها باشد. دیدگاه سوم اعتقاد بر این داشتند که با توجه به رشد و پیشرفت جوامع و متناسب با دگرگون شدن نوع نیاز متقاضیان آموزش عالی، کارکردهای دانشگاه هم باید تغییر کند و علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، در جهت کارکردهای جدید گام بر دارد. از جمله کارکردهای جدید، کارکردهای کارآفرینی و تجاری سازی است. یکی از کارکردهای مهم دانشگاه که از نظر مشارکت کنندگان مورد غفلت واقع شده است و از نظر آنان خیلی کم به آن پرداخته می‌شود، کارکرد فرهنگی - تربیتی و کارکرد اجتماعی است.

نتایج بدست آمده از بخش کمی (جدول ۱) حاکی از آن است که بیشترین مقدار میانگین (۳/۵۳۱) مربوط به گویه " دانشگاه رسالت اصلی خود را آموزش علم به متقاضیان می‌داند" و کمترین مقدار میانگین (۲/۲۹۷) مربوط به گویه " دانشگاه شهید چمران اهواز توانسته است در شکستن مرزهای دانش و خلق علوم جدید موفق عمل کند" است. یافته‌های بدست آمده (بیشترین میانگین بدست

آمده)، نشان دهنده این مهم است که در دانشگاه شهید چمران اهواز، کارکرد آموزشی مهم ترین کارکرد تلقی می شود و کمترین میانگین، نشان دهنده این مهم است که به کارکرد کارآفرینی در دانشگاه شهید چمران اهواز کمتر توجه شده است.

جمع بندی صحبت های بخش کانونی حاکی از این بود که دانشگاه یک سازمان پویا است و از ویژگی سازمان های پویا، خود اصلاح گری است. یعنی دانشگاه بنا بر تغییر شرایط و گذر زمان بتواند مأموریت ها و کارکردهایش را اصلاح کند. اما دانشگاه عملاً نمی تواند چنین اقداماتی انجام دهد. این وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند که به دانشگاه ها دیکته می کنند که چه بکنند و چه نکنند. آنان همچنین بیان داشتند که خود وزارت علوم و سازمان های بالادستی دانشگاه، هنوز نمی دانند که به کدام سمت بروند. آیا آموزش، رکن اصلی دانشگاه است یا پژوهش؟ آیا کار آفرینی و تجاری سازی می تواند جزو کارکردهای دانشگاه محسوب شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این سؤال آیا مشکلی تحت عنوان مدرک گرایی و فروش محصولات علمی در دانشگاه و نظام آموزش عالی کشور ایجاد نخواهد شد؟ همچنین برخی اشاره داشتند که مهم ترین هدف تشکیل دانشگاه ها، بحث انسان سازی و تغییر و تحول جامعه و اجتماع است که تحت عنوان کارکرد فرهنگی نامیده می شود. اما این کارکرد اصلاً جزو کارکردهای دانشگاه لحاظ نشده و نمی شود. نکته دیگری که از مباحث گروه کانونی بدست آمد این بود که دانشگاه اگر می خواهد سراغ کارکردهای جدید برود ابتدا نیاز است برای آن کارکردهای جدید، مأموریت تعریف شود، ساختار و سازوکار لازم برای انجام کارکردهای جدید در دانشگاه فراهم شود و بعد سراغ کارکردهای جدید برود. آنان اظهار داشتند دانشگاه اگر بدون برنامه ریزی و تهیه زمینه ها و شرایط لازم سمت کارکردهای جدید برود نه تنها از عهده انجام کارکردهای جدید بر نمی آید؛ بلکه از همان کارکردهای اصلی و سنتی خودش هم غافل خواهد شد.

در تبیین یافته های این سه مرحله می توان گفت: پژوهش های متعددی ضمن تأکید بر اهمیت آموزش و انتشار دانش و تربیت نیروی انسانی، بر پژوهش و تولید دانش نیز به عنوان کارکرد اصلی دانشگاه تأکید داشته اند. پایا (۱۳۸۵)؛ (شارع پور و فاضلی، ۱۳۸۶)؛ (اکسیو، ۲۰۰۶)؛ (مووری و سمپات، ۲۰۰۴)؛ (بارنت، ۲۰۰۵)؛ (جعفری ثانی و کرامتی (۱۳۹۱) به نقل از گلشن، عظیمی، مشایخی، میرزایی و صدرنژاد (۱۹۹۴)؛ (مککنا، بیکله و کارول، ۲۰۰۲) و (بورکابل، ۱۳۷۹) از این جمله اند. به عقیده اکسیو (۲۰۰۶) و (مووری و سمپات، ۲۰۰۵) از میان کنشگران آموزش عالی نیز فقط اعضای هیأت علمی دانشگاه قادرند به بهترین وجه فعالیت های مربوط به تولید و انتقال دانش را انجام دهند.

¹ McKenna, Bickle & Carroll

به طور کلی بر اساس رویکرد سیستمی، وظیفه و کارکرد دانشگاه‌ها تولید دانش، آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر و انتشار و انتقال دانش است. بارنت (۲۰۰۵) نیز آموزش را زمانی تأثیرگذار می‌داند که به اندازه کافی فعالیت‌های پژوهشی مدرسان نیز مد نظر قرار گیرد و عوامل مؤثر در این زمینه بررسی شوند. مککنا و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها مسئول ایجاد تعادل میان سه وظیفه آموزش، پژوهش و خدمات هستند، اما اغلب انجام دادن این سه وظیفه با هم به گونه‌ای متعارض قلمداد می‌شود و به دنبال آن زندگی اعضای هیأت علمی با احساس فشار شدید و نیز هرج و مرج و بی‌نظمی بسیاری همراه شده است.

یکی از یافته‌های بدست آمده از این بخش، این بود که دانشگاه‌ها علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، دارای دو کارکرد مهم دیگری به نام کارکرد اجتماعی و کارکرد فرهنگی هستند که البته با وجود اینکه در بسیاری از پژوهش‌ها مانند معیدفر (۱۳۸۷)؛ حسن زاده بارانی کرد و مقار زاده (۱۳۹۵)؛ کلدی و فلاح مین باشی (۱۳۸۸)؛ کالینگفورد^۱ (۲۰۰۴)؛ بوردیو^۲، (۲۰۱۴)؛ (الویری، ۱۳۸۱)؛ (روشه، ۱۳۷۶)؛ و (دلانتی^۳، ۲۰۰۲) به آن اشاره شده است، اما مورد غفلت دانشگاه‌ها واقع شده‌اند. معیدفر (۱۳۸۷) تولید و انتقال دانش و جامعه‌پذیری را دو کارکرد مهم دانشگاه در جامعه ایران می‌داند. او کارکرد جامعه‌پذیری دانشگاه در جامعه ایران را مهم‌تر از کارکردهای دیگر می‌داند. حسن زاده بارانی کرد و مقار زاده (۱۳۹۵) مهاجوریت و غفلت از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه را باعث ناتوانی در پاسداشت و انتقال میراث فرهنگی جامعه به نسل آینده می‌دانند و معتقدند دل مشغولی بیش از حد به بازار کار و نیازهای اشتغال، باعث شده که چالش‌های فرهنگی تنیده در بدنه آموزش عالی مورد غفلت قرار گیرند. خلاً موجود در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، جو دانشگاه‌ها را به شدت سیاسی کرده است. اهمیت پرداختن به مسایل فرهنگی تا بدان جاست که مهم‌ترین نشانه آسیب دانشگاه‌ها «ناتوانی تولید و باز تولید فرهنگی» آنها شناخته شده است و این امر را عمدتاً ناشی از استیلای عامل سیاسی بر عوامل فرهنگی دانسته‌اند.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که اخیراً مطرح می‌شود، بحث کارآفرینی و تجاری سازی است. که از آن تحت عنوان رسالت جدید دانشگاه‌ها نام می‌برند و یافته‌های پژوهش حاضر نیز بر این موضوع تأکید دارند. در پژوهش‌های مختلفی به اهمیت و سودمندی کارکردهای تجاری سازی و کارآفرینی دانشگاه

¹ Collingford

² Bourdieu

³ Delanty

اشاره شده است. نتایج پژوهش‌های (موسوی، نعمتی و خسروی، ۱۳۹۴)؛ (انتظاری، ۱۳۸۲)؛ (تقی پور ظهیر و حسن مرادی، ۱۳۸۵)؛ (پلوا، کاستر و باکن^۱، ۲۰۰۵)؛ (نووتنی، ۲۰۰۶)؛ (اتزوکانی^۲، ۲۰۱۰)؛ (علی خانی، ۱۳۸۹)؛ (فطانت فرد حقیقی و محمودی، ۱۳۹۵)؛ و (اتزکوئیتز^۳، ۲۰۰۲)، ضمن تأکید بر اهمیت دانش و فناوری برای ایجاد ثروت و دانایی و اهمیت آنها در تولید ارزش افزوده برای کشور، کارآفرینی و تجاری سازی را از الزامات دانشگاه در عهد نوین می‌دانند.

طرفداران این امر معتقدند دخالت عواملی چون تأکید دولت‌ها بر تسهیل تبدیل یافته‌های علمی به نوآوری‌های تجاری، کاهش حمایت‌های مالی دولت، شکل‌گیری رسالت سوم دانشگاه؛ یعنی ارتباط این نهاد با محیط اجتماعی پیرامون، جهانی شدن و تشکیل اتحادیه‌های متعدد بین جوامع و تکامل بازار های ملی به مثابه سوخت و انرژی رقابت، در شکل‌گیری این حرکت نوظهور مؤثر بوده‌اند (ویلکینسون و یانگ^۴، ۲۰۰۲؛ بوک^۵، ۲۰۰۳؛ پلوا، کاستر و باکن، ۲۰۰۵؛ ریچاردسون، براکو، کالان و فانی^۶، ۱۹۹۸؛ فکور، ۱۳۸۵). به بیان روشن تجاری سازی دانش را می‌توان تبدیل ایده و نتایج تحقیقات به محصول در بازار تعریف کرد.

در راستای نتایج حاصل شده پیشنهاد می‌شود:

گنجاندن بندهایی در آیین نامه ارتقاء و ترفیع استادان به منظور فعال کردن اعضای هیأت علمی برای بخش ارتباط دانشگاه با صنعت.

استفاده از استادان با تجربه دانشگاه، به عنوان مشاور بخش هایی از صنعت و سازمان های اجرایی. ضروری است دستگاه های اجرایی و سازمان ها به تصمیمات پژوهش محور ملزم شوند و این امر به باز تعریف نقش و جایگاه تحقیق و محقق در دستگاه های اجرایی و صنایع بخش دولتی و خصوصی نیاز دارد.

تعریف مأموریت توسط خود دانشگاه‌ها (دانشگاه پاسخگوی آن نیز باشند و پس از یک بازه زمانی معین ارزیابی و اعتبار بخشی شوند).

¹ Plewa, Quester & Baaken

² Etzokani

³ Etzkowitz

⁴ Wilkinson & Young

⁵ Bok

⁶ Richardson, Bracco, Callan & Finney

فراهم شدن زمینه‌ها، بسترها و امکانات لازم جهت پرداختن به کارکردهای جدید از جمله کارآفرینی و تجاری سازی.

جذب اعضای هیأت علمی متخصص و کارآمد (دارای آثار پژوهشی منتشر شده‌ی فراوان باشند و دست کم به یک زبان بین‌المللی به طور کامل مسلط باشند. حتی برای مشاغل آموزشی، داشتن پیشینه‌ی پژوهش قوی ضروری است).

فراهم شدن امکانات فیزیکی مطلوب برای کلاس‌های درسی و ایجاد فضای آموزشی مناسب جهت فعالیت‌های تحقیقاتی و مطالعاتی اساتید و دانشجویان همراه با دسترسی آسان و راحت به منابع کتابخانه‌ای و تجهیزات رایانه‌ای در محیط‌های آموزشی.

منابع

- Alikhani, A. A. (1389). Methods of transformation and improvement of higher education and research in Iran by analyzing some studies. **Journal of Iranian Higher Education**, 3 (1), 1-31. (In Persian).
- Altbach, P. G. (2008). Tradition and transition: The international imperative in higher education. Brill Sense.
- Al-Weeri, M. (2002). The mission of higher education. Encyclopedia of Higher Education. Tehran. Publications of the Ministry of Science, Research and Technology, 547- 541. (In Persian).
- Arasteh H. (1383). University Industry Relations. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 10 (3) :57-98 URL: <http://journal.irphe.ac.ir/article-1-503-en.html>. (In Persian) .
- Arasteh, H R. (1382). The role of higher education in the development perspective of Iran 1404. **Rahyaft**, 31(31), 32-42. (In Persian).
- Babalhavayeji, F., Tajedini, O., Nooshinfard, F., Hariri, N. (1392). Composing Self-evaluation Tools for Knowledge Translation Related to Social Science Researchers. **Academic Librarianship and Information Research**, 47(1), 49-64. doi: 10.22059/jlib.2013.36211. (In Persian).
- Bagheri Kani, M., Delpasand, J. (1387). Strategic Planning Model in Mission-Based Universities Case Study: Educational Domain of Imam Sadiq University (A.S). **Strategic Management Thought**, 2(1), 125-189. doi: 10.30497/smt.2008.112. (In Persian).
- Barnett, R. (2005). Recapturing the universal in the university. **Educational Philosophy and Theory**, 37(6), 785-797.

- Berander, P., & Jonsson, P. (2006). Hierarchical cumulative voting (hcv)—prioritization of requirements in hierarchies. **International Journal of Software Engineering and Knowledge Engineering**, 16(06), 819-849.
- Bok, D. (2003). *University in Marketplace*; Princeton University Press. 1- 6.
- Bourdieu, P. (2014). The specificity of the scientific field and the social conditions of the progress of reason. **Information (International Social Science Council)**, 14(6), 19-47.
- Collingford, C. (2004). Conclusion The Future- is Sustainability Sustainable In John Blewitt & Cardic Collingford, *The Sustainability Curriculum: The Challenge for Higher Education*, Eartscan Publications.
- Creswell, J. (2016). *Research Design.: Qualitative, Quantitative, Mixed Methods Approaches*.
- Davis, C., Claridge, G., & Cerullo, D. (1998). Reflections on narcissism: Conflicts about body-image perceptions in women. **Personality and Individual Differences**, 22(3), 309-316.
- Delanty, G. (2002). The governance of universities: What is the role of the university in the knowledge society? **The Canadian Journal of Sociology/Cahiers canadiens de sociologie**, 27(2), 185-198.
- Entezari, Y. (1382). Analysis of University-Industry Interaction from the Perspective of Knowledge-Based Economy, Research Project of the Office of Cultural Studies, Islamic Consultative Journal Research Center, 1-27. (In Persian).
- Etzkowitz, H. (2004). The evolution of the entrepreneurial university. **International Journal of Technology and Globalisation**, 1(1), 64-77.
- Etzkowitz, H. (2016). The entrepreneurial university: vision and metrics. **Industry and Higher Education**, 30(2), 83-97.
- Etzokani, H. (2010). The future of the university and the University of the Future: evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm, **Research Policy**, (29),313-330.
- Habermas, J. (1373). The mission of the university in modern society, translated by Hossein Ali Nozari. Publication approach. Issue 6. (In Persian).
- Hassanzadeh Barani Kurd, S & Magharzadeh, F. (1395). Higher education policy: an emphasis on the cultural or economic dimension? National Congress of Higher Education of Iran .(In Persian).
- Kaldi, A; Falah Min Bashi, F. (1388). A study of the social and cultural function of universities from the students' point of view. **Social Science Research Journal**, 3(1) 73-91. (In Persian).
- Karamkhani, Z. (1396). University relationship with the community, professional counseling, mission and function. PhD Thesis in Higher Education Management, University of Mazandaran .(In Persian).
- McKenna, J., Bickle, M., & Carroll, J. B. (2002). Using scholarship to integrate teaching and research. **Journal of Family and Consumer Sciences**, 94(3), 39.

- Mesbahian, H. (1388). University: From history to philosophy in the need for historical analysis and philosophical rethinking of the idea of the university in its global context. **Historiography and Historiography**, 19 (1), 123-156. (In Persian).
- Moeidfard, S. (1387). University functions, lecture at the meeting "Critical study of the structure and social status of the university in Iran" at the Iranian Sociological Association. Available at: [www.khabaronline.ir /detail /1975 /culture / religion](http://www.khabaronline.ir/detail/1975/culture/religion) .(In Persian).
- Mousavi Amiri, T., Nemati, M A., & Khosravi, M. (1394). University Research; A new approach to developing the relationship between academia and industry. **Journal of Industry and University**. 7(25), 1-24. (In Persian).
- Mowery, D.C. & B.N. Sampat (2005). Universities in National Innovation Systems. In The Oxford Handbook of Innovation edited by J. Fagerberg, D.C. Mowery, and R.R. Nelson. Oxford, Oxford University Press. 209-239.
- Nowotny, H. (2006). Real science is excellent science—how to interpret post-academic science, Mode 2 and the ERC. **Journal of science communication**, 5(4), C04. OECD (1996). The Knowledge-based Economy, OECD, Paris.
- OECD (1996). The Knowledge-based Economy, OECD, Paris.
- Paya, Ali (1385). University, scientific thinking, innovation and the public sphere. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, 1-67 .(In Persian).
- Plewa, C., Quester, P., & Baaken, T. (2005). Marketing Orientation in University Industry Linkages; Industry Linkages, Australian & New Zealand Marketing Academy Conference, Wellington, New Zealand, 29 .1101.12.
- Sharipour, M, & Fazeli, M. (1386). Sociology of Science and Scientific Associations, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology .(In Persian).
- White, Sh. W. (2013). An experimentally confirmed resource planning model of services under production function uncertainties. Int. **Journal Production Economics**, 141, 478–484.
- Wilkinson, I., & Young, L. (2002). On cooperating: firms, relations and networks. **Journal of Business Research**, 55(2), 123-132.
- Xue, L. (2006). Universities in Chain's National Innovation System, Presented at the Second International Colloquium on Research and Higher Education Policy UNESCO Headquarters, Paris.